

معاون دادستان مرکز خراسان رضوی پیشنهاد کرد:

استفاده بهینه از کالاهای معدومی

در بازدیدهای میدانی و گزارش‌های کارشناسی هنگام تحقیقات قضایی از انبارهای سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی در استان خراسان رضوی به مواردی رسیدیم که بررسی‌های دقیق درباره‌ان هانشان می‌دهد باید تدابیر خاصی برای استفاده بهینه از کالاهای معدومی اندیشیده شود چرا که امروزه با توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های روز دنیا، می‌توان برخی از کالاهای محصولات غیرقابل مصرف را در موارد مشخص دیگری استفاده کرد.

این مقام ارشد در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد خاطرنشان کرد: به طور مثال در برخی از بازدیدهای میدانی به گردهای فاسد و شته زده برخورد کردیم که طبق همین ماده قانونی باید معدوم شوند، در صورتی که طبق نظر کارشناسان و متخصصان از پوست همین گردها در صنایع رنگ‌سازی استفاده می‌شود بنابراین با فناوری این گونه محصولات می‌توان از حیف و میل بیت المال جلوگیری کرد.

معاون پیگیری حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم

سجاد پور - دادستانی مشهد با تاکید بر حفاظت از محیط زیست و استفاده از فناوری‌های نوین علمی پیشنهاد کرد تا سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی کشور از کالاهای معدومی یا فاسد برای مصارف ثانویه استفاده بهینه کند. به گزارش اختصاصی خراسان، معاون دادستان مرکز خراسان رضوی به دنبال برخی اظهارنظرهای مردمی درباره کالاهایی که قابلیت مصرف ثانویه را دارند اما با دستور مقامات مسئول معدوم می‌شوند، به خبرنگار روزنامه خراسان گفت: طبق ماده ۴۲ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، کالاهایی که توسط وزارتخانه‌هایی مانند جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی یا دیگر مراجع ذیصلاح، آلوده به آفت، فاسد یا غیرقابل مصرف تشخیص داده شوند باید با تنظیم یک صورت جلسه به طور کامل از بین بروند و معدوم شوند که تاکنون بر اساس همین استاندارد قانونی عمل شده است.

قاضی سید هادی شریعت یار با تاکید بر این که از این کالاها استفاده بهینه دیگری نیز می‌توان کرد، افزود:

عامل قتل وحشتناک پرستار جوان در گفت وگو با روزنامه خراسان مطرح کرد:

ماجرای مرموز پسر عینکی!

سیدخلیل سجاد پور - حدود ۱۰ روز بود که انواع مواد مخدر سنتی و صنعتی را با هم مصرف می‌کردم تا خودکشی کنم چرا که رفتارهای مرموز آن پسر عینکی شاسی سوار به شدت عذابم می‌داد به همین دلیل...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات مرد جوانی است که همسر سابقش را با ضربات وحشتناک خنجر در وسط خیابان به قتل رساند. او بعد از مدتی فرار، خود را در جمرکان قم تسلیم نیروهای انتظامی کرد و سپس به مشهد منتقل شد. متهم این پرونده جنایی پس از پاسخ به سوالات تخصصی قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به بازسازی صحنه جنایت پرداخت و چگونگی قتل هولناک همسرش را در حضور مقام قضایی و سروان منفرد (افسر پرونده) شرح داد.

عامل این جنایت بی رحمانه سپس در گفت وگویی کوتاه با خبرنگار خراسان به سوالاتی درباره سرگذشت خود و ماجرای ازدواج طلاق تا ارتکاب قتل پاسخ داد. آن چهمی خوانید نتیجه گفت وگوییامردی است که در سکوت صبحگاهی، همسرش را در خیابان به طرز دلخراشی کشت.

نامت چیست؟ علی-ص **میزان تحصیلات؟** فوق دیپلم (کاردانی) دارم و در رشته مکانیک خودرو در دارالفنون بجنورد تحصیل کردم. **چند خواهر و برادر داری؟** دو برادر دارم اما من فرزند بزرگ خانواده هستم.

اهل مشهدی؟ نه! در روستای محمدآباد از توابع شهرستان فاروج در استان خراسان شمالی به دنیا آمدم و تا شش سالگی در آن جا بودم اما بعد از آن یکی از دوستان پدرم که قمار باز بود همه اموالش را در قمار باخت و چون پدرم ضامن بانکی او بود برای پرداخت بدهی‌های دوستش دچار ورشکستگی مالی شد که به همین دلیل منزل مسکونی خودمان را فروختیم و به «یتکانلو» رفتیم که بعد از یک سال در آن جا برادرم به دنیا آمد و باوایمی که ما درم گرفته بود، خانه‌ای ساختیم و همان جا ساکن شدیم. **یعنی تا پایان تحصیلات دبیرستان در یتکانلو بودید؟** نه! من از کلاس پنجم تا اول دبیرستان در نمونه دولتی فاروج درس خواندم و بعد تلاش کردم به حرفه پدرم که مکانیک تراکتور بود، وارد شوم به همین دلیل هم به دبیرستان فنی و حرفه‌ای رفتم و بعد هم در رشته مکانیک خودرو تحصیل کردم. سپس در دانشگاه دارالفنون بجنورد پذیرفته شدم و در آن جا فوق دیپلم مکانیک گرفتم.

با همسر (متقون) چگونه آشنا شدی؟ آخر آن دانشگاه بودم که یک روز با دوستانم برای مسافرت به منطقه تفریحی ناهارخوران گرگان رفتیم. دوستم «میلا» با یکی از دوستان همسرمان آشنا بود. در آن جا مرا هم با «مریم» آشنا کرد که همین موضوع به ازدواج رسید.

همسر ت اهل شمال کشور بود؟ نه! او هم در دانشکده علوم پزشکی گرگان و در رشته پرستاری تحصیل می‌کرد که آن روز به همراه دوستانش به «ناهارخوران» آمده بود.

کلاهبرداری میلیاردی با وعده افزایش زود هنگام سرمایه

توکلی - زن و مردی به جرم کلاهبرداری بیش از ۷۰ میلیارد ریال با وعده دروغین افزایش سرمایه در رفسنجان دستگیر شدند.

به گزارش خراسان، به دنبال مراجعه حضوری شهروند رفسنجانی به پلیس فتا و طرح شکایتی مبنی بر این که یک خانم از افراد مورد اعتماد او، با پیشنهادهای فریبنکاری، خود را کارشناس بورس و بازارهای مرتبط با ارز دیجیتال و دیگر فعالیت‌های اقتصادی معرفی و با وعده سرمایه‌گذاری و چند برابر شدن سرمایه، مبلغی بیش از ۷۰ میلیارد ریال را از او دریافت کرده اما در ادامه دیگر پاسخ‌گوی تماس‌های خود نبوده است، موضوع در دست بررسی کارشناسان این پلیس قرار گرفت.

با تشکیل پرونده مقدماتی، کارشناسان واحد رصد و پایش فضای مجازی پلیس فتای رفسنجان در همان مراحل اولیه، خانم مرتبط با این پرونده را دستگیر کردند و پس از تحقیقات و بررسی حساب بانکی، کیف‌های مجازی ارز دیجیتال و شماره کاربری‌های مورد استفاده در صرافی ارز دیجیتال، هویت دیگر متهم مرتبط با این پرونده را که تبعه کشور افغانستان بود، شناسایی و این فرد را در یکی از نقاط شهر رفسنجان دستگیر کردند. فرمانده انتظامی رفسنجان بیان کرد: این خانم و آقا که در روند بازجویی‌های بعدی مشخص شد از مدت‌ها قبل با هم آشنا شده و در تدارک انجام کلاهبرداری از سؤزه‌های مدنظر خود بوده‌اند، پس از مواجهه با مستندات موجود به جرم

نه! او وقتی زخم‌هایی مانند جوش روی بدنم ظاهر می‌شد، صورتش را روی همین زخم‌هایم گذاشت تا من آسوده بخوابم و در همین حال خودش به خواب می‌رفت. اوزنی پاکدامن بود به طوری که حتی در مسافرت‌ها نام مرا بلند فریاد نمی‌زد که دیگران صدای او را بشنوند! اولی وقتی منزل تهران را فروخت من ناراحت شدم و احساس کردم شاید فرد دیگری را دوست دارد.

همسر ت در بخش بیماران کرونایی خدمت می‌کرد؟ به! بعد از آن که دوره کارورزی را به پایان رساند، پرونده‌ای همراه با استشهاد برایش در دست کردیم که وقتی به مشهد آمدیم در بخش بیماران کرونایی بیمارستان امدادی مشغول کار شد.

چه شد که تصمیم به طلاق گرفتی؟ او اصرار به طلاق داشت



متهم به قتل در حال گفت وگویی با خبرنگار خراسان

سابقه خبر

به گزارش خراسان، ساعت ۶ صبح یازدهم تیر امسال، پرستار ۲۶ ساله‌ای که در بخش بیماران کرونایی یکی از بیمارستان‌های امدادی مشهد مشغول کار بود، توسط جوان ناشناسی در ابتدای خیابان ولیعصر (عج) ۱۲ با ضربات هولناک خنجر به قتل رسید. دقایقی بعد با حضور قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) تحقیقات قضایی آغاز و مشخص شد عامل جنایت همسر سابق مقتول است که به صورت توافقی از یکدیگر جدا شده بودند. طولی نکشید که متهم مذکور در قم بازداشت شد و به قتل همسرش اقرار کرد. بررسی‌های تخصصی این پرونده در پلیس آگاهی خراسان رضوی وزیر نظر سرهنگ سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) صورت گرفت و متهم پس از بازسازی صحنه قتل در حضور مقام قضایی و سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) روانه زندان شد تا این پرونده جنایی دیگر مراحل دادرسی را طی کند.

۶۴ هزار لیتر سوخت قاچاق در مشک‌های جاساز لورفت

کرمانی - با تشدید اقدامات انتظامی و برخورد قاطع با قاچاقچیان سوخت، نیروهای پلیس آگاهی هنگام کنترل محور «ریگان-ایران شهر» چهار خودروی سواری و دو تانکر سوخت رسان را متوقف کردند.

به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان ریگان گفت: نیروهای پلیس آگاهی با همکاری پلیس امنیت عمومی این شهرستان، در بررسی مدارک تانکرهای عبوری متوجه جعلی بودن بارنامه آن‌ها شدند و از این تانکرها و همچنین از مشک‌های جاساز شده درون خودروهای سواری در مجموع ۶۴ هزار لیتر گازوئیل قاچاق کشف کردند.

سرهنگ اسحاق دریجانی افزود: در این زمینه پنج متهم دستگیر و با تشکیل پرونده به مرجع قضایی تحویل شدند.



پیرمرد

در چنگ دختر و پسر معتاد!

در شرایطی زندگی می‌کنم که گذر زمان نیز بر ایمن ارزشی ندارد چرا که دختر و پسر جوانم به مواد مخدر صنعتی آلوده شده‌اند و مرا آن قدر کتک می‌زنند تا همین حقوق ناچیز بازنشستگی را از من بگیرند و...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، پیرمرد ۶۷ ساله در حالی که با دستان چروکیده اشک هایش را پاک می‌کرد، با بیان این که نمی‌دانم از شر این فرزندان ناخلف به کجا بمانم، درباره این ماجرای تلخ به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری قاسم‌آبادمشهد گفت: حدود هفت سال قبل پسرم ترک تحصیل کرد و دیگر به مدرسه نرفت. آن زمان در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کرد و من به همین دلیل خیلی نگران بودم چرا که دوست داشتم پسرم به تحصیلاتش ادامه بدهد و عصای دست من در روزگار کهن سالی باشد ولی باز هم فکر می‌کردم علاقه‌ای به درس و مدرسه ندارد و به همین دلیل برای بازگشت به مدرسه اصرار نکردم. با وجود این «سبحان» را تشویق می‌کردم تا هنر و حرفه‌ای بیاموزد که در آینده مخارج زندگی‌اش را تامین کند ولی متأسفانه او

مسیر خیابان گردی و معاشرت با دوستان ناباب را در پیش گرفت. در همین حال پسرم رانزدیک استاد مکانیک خودرو بر دم که از دوستان نزدیکم بود، از او خواش کردم تا تعمیر موتور خودرو را به سبحان آموزش بدهد و من هم اجر و مزدش را پرداخت خواهم کرد ولی هنوز یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که استاد احمد با عذرخواهی از من مدعی شد سبحان به این حرفه علاقه‌ای ندارد و مسیر خلاف را در پیش گرفته است به طوری که در محل کار سیگار می‌کشد و من هم با این رفتارها به شدت مخالفم و از سوی دیگر نیز چون قطعات موتور خودرو را با بنزین شست و شو می‌دیم مصرف سیگار در حین کار می‌تواند فاجعه جبران‌ناپذیری به بار آورد. خلاصه پسرم که حالا ۱۹ ساله بود نه تنها به این سرزنش‌ها توجهی نکرد بلکه روابطش را با دوستان ناباب ادامه داد و به مصرف مواد مخدر سنتی رو آورد. دیگر نگرانی من و همسرم روز به روز بیشتر می‌شد اما نمی‌دانستیم چگونه سبحان را از این مسیر نادرست بازداریم چرا که آبرویمان نیز در خطر بود و نمی‌توانستیم اعتیاد فرزندمان را آشکار کنیم. بالاخره او را تهدید کردم که اگر در ساعت مشخصی به منزل نیاید دیگر باید شب را در خیابان‌ها بپری کند. پسرم نیز که گویی منتظر همین فرصت بود دیگر بسیاری از شب‌ها را به منزل نمی‌آمد و اوقاتش را با دوستان معتادش می‌گذراند. در این مدت فقط زمانی او را می‌دیدم که با تهدید و ابرویریزی، پول تهیه مواد مخدر را از من می‌گرفت. در این شرایط تصمیم گرفتم او را در یک مرکز ترک اعتیاد بستری کنم چرا که به مصرف مواد مخدر صنعتی آلوده شده بود و هر روز اوضاع جسمی و روحی‌اش وخیم‌تر می‌شد. در نهایت بایاری پلیس او را برای مدتی به یک مرکز ترک اعتیاد معرفی کردم اما دوروز بعد از سبوری شدن دوره ترک اعتیادش باز هم مصرف مواد مخدر صنعتی را ادامه داد. او دیگر برای آن که همین اندک مبلغ بازنشستگی را از من بگیرد، خواهر جوانش را نیز با خود همراه کرد و از او هم یک معاذ حرفه‌ای ساخت به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانستیم در برابر خواسته‌های آن هاتاب بیاورم. دخترتم من مانند برادرش آبرویریزی می‌کرد تا پول مصرف مواد مخدر را از من بگیرد ولی مصرف آن‌ها به شدت افزایش یافته بود و حقوق بازنشستگی من هم کفاف هزینه‌های آن‌ها را نمی‌داد. در این وضعیت سبحان برای تامین بخشی از هزینه‌های اعتیادش به جمع‌آوری ضایعات پرداخت و خواهرش را نیز تشویق به این کار کرد ولی پسرم زباله‌ها و ضایعاتی را که از سطل‌های زباله بیرون می‌آورد با همان بوی تعفن و کثیف به درون پارکینگ آپارتمان منتقل می‌کرد که اعتراض شدید همسایگان را برانگیخت. این رفتارهای فرزندنامم بر ایمن قابل تحمل نیست و نزد همسایگان خیالت زده هستم، این درحالی است که دخترتم نیز برای گرفتن پول از من لوازم منزل را می‌شکند و به من و مادرش توهین می‌کند تا...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ سید رضا معطری (رئیس کلاتری قاسم‌آباد) رسیدگی کارشناسی به این پرونده به مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

☎ ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
✉ layout@khorasannews.com